

پتک در ماندگی
بر سر انسانیت

روح اله نغعی

روزنامه نگار

امثال من که سال‌ها کارشان با کلمه بوده، این روزها جنس متفاوتی از ناامیدی و خستگی را حس می‌کنیم که با شکست‌های متعدد پیشین‌مان متفاوت است. بخش بزرگ حرف‌ها و کارهای ما، بر مبنای وجود حداقلی از ارزش‌ها و دغدغه‌های مشترک بین همه‌مان بوده است. پیش هم آمده ببینیم آدم‌هایی که تن داده‌اند به کنش مخالف این ارزش‌ها، اما با ناراحتی و از سر تصور ناچاری. از این که تصور می‌کرده‌اند، برای فوریت دیگری، چاره دیگری نمی‌بینند؛ اما از این بابت، لاقال شاد نبودند، در مانده بودند.

چیزی که اخیراً من و خیلی‌ها را تسکان داده، از جنس دیگری است. جمع قابل توجهی از هموطنان، ارزش‌هایی را که اصلاً فکر نمی‌کردیم محل مناقشه باشند، از بیخ و بن انکار می‌کنند؛ هوراکشان و حمله‌کنان. از ارزش و دغدغه‌ای غریزی حرف می‌زنم که در خیلی حیوانات هم هست؛ نگرانی برای بچه‌ها و نیاز به حفاظت از آن‌ها در مقابل خطر مستقیم، فوری و مشهود. به قول آن مجری آمریکایی، همان حسی که باعث می‌شود وقتی بچه‌ای را بازی کنان در حال ورود به خیابان می‌بینی، ناخودآگاه دست‌اش را می‌گیری و عقب‌اش می‌کشی.

این مدت، حجم انبوهی کودک در فلسطین به دست اسرائیل سلاخی شده اند و می‌شوند. گرسنگی می‌کشند و می‌میرند. زخمی می‌شوند. جلوی چشم‌شان کس و کارشان تکه‌تکه می‌شوند. جمعی از کودکان ایرانی زیر بمب‌ها و حملات اسرائیل مرگ، زخم، داغ، رنج و ترس را تجربه کردند. حالا هم بر خورده‌های رسمی و غیررسمی، دولتی و خصوصی با افغان‌ها شروع شده. خانواده‌های مهاجران افغان یا اصلاً ایران‌دگانی که اجدادشان از آن طرف مرزی جوان می‌آیند، هدف خشونت و نفرت قرار گرفته‌اند و دردناک‌ترین اش این که بچه‌هایشان، این طرف یا آن طرف مرز، توهین می‌شنوند، کنک می‌خورند، محروم می‌شوند یا بی‌پدر، بی‌مادر یا بدون آشنا و بدون همه چیز تنها می‌مانند و امان از دختر بچه‌هایی که زیر دست طالبان می‌روند.

ناراحتی از این آسیب‌ها به کودکان، باید بدیهی می‌بود. خیلی چیزهای دیگر هم البته باید فراتر از مناقشه می‌بودند اما این حداقلی‌ترین قسمت ماجراست. نباید نیازی می‌بود که در این باره بحث کنیم. باید همه برآشفته می‌شدیم. باید همه هرطور می‌توانستیم، دست این بچه‌ها را می‌گرفتیم. باید به هرکس کودکی را هدف خشونت و تحمیل رنج قرار می‌دهد، پر خاش‌اش می‌کردیم. مقابل‌اش می‌ایستادیم. اما الان سر این موضوعات هم باید بحث و دعوا کنیم. گفتن این حرف‌ها شده اعلام موضع. حتی ریسک است، قرار گرفتن در معرض توهین، تحقیر و تهدید است. این فضا روح را می‌خراشد. باور ش سخت است که سر چنین موضوعی هم باید جنگید. اگر بعد از این همه سال گفتن و شنیدن، تازه در بدیهیات انسانی هم کارخیز از دست داده‌ایم و در موضع دفاعی قرار گرفته‌ایم، پس این همه وقت داشتیم چه می‌کردیم؟ پس اصلاً کلمه به چه درد می‌خورد؟ ما به چه درد می‌خوریم؟ بودن‌مان با نبون‌مان چقدر تفاوت دارد اگر بناست فقط رنج باشد و ملامت هر رنجی که خودش حامی انکار انسانیت خودش است، چه زیر ضرب بمب و تهدید و چه وقتی به حمایت از رنج انسانی دیگر دعوت می‌شود.

باسوادتراها و باتجربه‌ترها می‌گویند، باز هم باید گفت و نوشت و حرکت کرد. می‌گویند این روزها می‌آیند و می‌روند. می‌گویند انسانیت همیشه در تاریخ دوباره روی پا برگشته. امیدوارم درست بگویند. تصور و آرزو می‌کنم روزی خواهد آمد که کسی این حمایت از انکار انسان را گردن نگیرد، اما یک چیز را می‌دانیم؛ این روزگار از زهر تلخ‌تر است، نه فقط به خاطر بمب و بی‌کفایتی و سردرگمی، چون ناگهان فهمیده‌ایم چقدر باخته‌ایم. فهمیده‌ایم چقدر خیلی‌ها که رویشان حساب می‌کردیم، حاضرند چشم‌شان را روی غریزه انسانی‌شان ببندند. حاضرند همان کودک را که سردرگم به میان خیابان می‌رود، ببینند و نادیده‌اش بگیرند. نه تنها دست‌اش را نگیرند که راننده را تشویق کنند گاز بدهد و بلکه اگر دست‌شان رسید، بچه را هل هم بدهند تا زیر چرخ‌های ماشین هل شود و دل‌شان خنک شود. این روزها شاید می‌گذرند اما کاش این روزها را نمی‌دیدیم. کاش نبودیم و نمی‌دیدیم. حتی اگر قرار است این روزها بمانند، کاش ما نمایم که به قول آن نام‌بزرگ، اگر بشنویم و بمیرم، رواست.

۱۶

۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com

@Hammihanonline

- صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کرباسچی
- مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
- سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
- دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمن منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
- علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
- مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
- مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
- هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸

• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



عکس: WANA

حمل و نقل در خط مقدم

پیامدهای جنگ بر حمل و نقل آنلاین؛ از افزایش موقت تعرفه‌ها

تا اختلال ادامه دار GPS در گشت و گو با نگار عرب معاون ارتباطات سازمانی تپسی

▼ GPS غیر فعال و معضلاتش

یکی از چالش‌های تپسی در دوره جنگ، اختلال در عملکرد GPS بوده است؛ چالشی که بعد از آتش‌بس هم ادامه داشته است. معاون ارتباطات سازمانی تپسی در این باره اظهار می‌کند: «این موضوع تأثیر منفی زیادی روی کسب‌وکار ما گذاشت. مشخص بودن موقعیت مکانی مبدأ مسافر و سفیر و مقصد نهایی مسافر از پایه‌های عملیاتی کسب‌وکار ماست و وقتی GPS و موقعیت‌یاب دچار مشکل می‌شوند، موقعیت مکانی کاربران و رانندگان اشتباه نشان داده می‌شود؛ حتی اگر موقعیت را دستی وارد کنند، این چالش باید از طریق تماس تلفنی بین راننده و کاربر حل شود و بعد از پیدا کردن مسافر و سوار شدنش هم مسیر یابی دشوار خواهد بود. در نتیجه مدت‌زمان سفرها هم طولانی می‌شود و درآمدشان کاهش پیدا می‌کند.» او توضیح می‌دهد که در گفت‌وگوهایی که با یکی از سفیران تپسی داشته‌اند، گفته که از هر ۱۰ درخواست سفر، یک مورد را انتخاب می‌کند؛ سفری که مسیر آن را بلد باشد. با وجود این، تپسی منفعل نمانده و راه‌حلی برای این معضل پیدا کرده است. عرب در این خصوص بیان می‌کند: «برای کاهش این چالش، امکان تغییر دستی موقعیت مکانی را برای رانندگان و نمایش مسیر پیشنهادی آقایان به رانندگان و مسافران فراهم کردیم. اما هیچ کدام از اینها راه‌حل دائمی نیستند و نمی‌توانند مشکل بزرگ ایجادشده در خدمات ما را به‌طور کامل برطرف کنند.»

▼ کمک به کسب‌وکارهای آسیب‌دیده

این جنگ به‌ظاهر کوتاه، آسیب‌های زیادی به کسب‌وکارهای مختلف زده است. تپسی بعد از پایان جنگ بررسی‌هایی انجام داده تا ببیند، چطور می‌تواند به کسب‌وکارهای آسیب‌دیده کمک کند و به همین منظور ظرفیت‌های تبلیغاتی‌ای را برای آنها ایجاد کرده است. طبق صحبت‌های عرب، این ظرفیت شامل رایگان کردن تبلیغات بوده است: «ما ظرفیت تبلیغاتی قابل توجهی در اپلیکیشن داریم. یعنی روزانه تعداد زیادی کاربر تبلیغات اپلیکیشن تپسی را می‌بینند. به همین دلیل، تصمیم گرفتیم دو اقدام انجام دهیم؛ یکی استفاده از این ظرفیت تبلیغاتی برای دیده‌شدن بیشتر فعالیت شرکت‌هایی که در حوزه مسئولیت اجتماعی فعال هستند و دیگری کمک به کسب‌وکارهای کوچک و متوسط آسیب‌دیده از همین طریق. از شبکه‌های اجتماعی نیز برای این کار بهره گرفتیم.»

▼ افزایش اجباری تعرفه‌ها در جنگ

قیمت‌گذاری در تاکسی‌های اینترنتی براساس الگوریتم‌های هوشمند، به‌صورت پویا و دینامیک انجام می‌شود. هدف این الگوریتم، تعیین قیمتی است که برای هر دو طرف (راننده و مسافر) قابل قبول باشد، منجر به انجام سفر شود و عرضه و تقاضا را به تعادل برساند. با این توضیح، در روزهای ابتدایی حمله رژیم صهیونیستی به کشورمان، به دلیل کاهش شدید رانندگان فعال در تهران، صف‌های طولانی بنزین، افزایش ترافیک ناشی از خروج هموطنان از تهران و شرایط ویژه پانیک، نرخ پذیرش سفرهای در خواستی کاهش چشمگیری داشت. بر همین اساس، الگوریتم قیمت‌گذاری برای افزایش نرخ پذیرش، به‌صورت خودکار قیمت را افزایش داد تا رانندگان فعال، حاضر به انجام سفر شوند. عرب با اشاره به مسئله می‌گوید: «رانندگان تاکسی‌های آنلاین در پذیرش سفرها مختار هستند و در شرایط خاص تهران، اگر قیمتی پایین‌تر از قیمت‌های معمولی در خدمت‌رسانی به مشکل می‌خوریم، کمالینکه حتی با وجود افزایش قیمت در روزهای ابتدایی حمله، نرخ پذیرش در خواست‌ها همچنان به‌طور محسوسی پایین‌تر از حد نرمال بود و بخش قابل توجهی از درخواست‌ها، حتی با قیمتی‌های بالاتر نیز توسط رانندگان پذیرفته نمی‌شد. البته این تغییر قیمت فقط در تهران رخ داد و در سایر شهرها تغییری در متوسط قیمت مشاهده نشد. در هفته دوم و براساس داده‌های سیستم، با افزایش تعداد رانندگان فعال در تهران و عادی شدن شرایط کمپنیزین‌ها، قیمت سفرها کاهش محسوسی پیدا کرد و متعادل‌تر شد. در ادامه و پس از آتش‌بس، همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، اختلال در عملکرد GPS دوباره باعث کاهش معنای تعداد رانندگان شد که این موضوع بار دیگر تعادل عرضه و تقاضا را در سیستم بر هم زد.» به هر روی تجربه سال‌های اخیر نشان داده است با توجه به شرایط خاص کشور ما، اکوسیستم دیجیتال کشور باید فراتر از توسعه فناوری، روی مقاوم‌سازی ساختارها و طراحی راهکارهای جایگزین برای مقابله با بحران‌های غیرمنتظره تمرکز کند. بدون این آمادگی، خطر آسیب‌پذیری‌های مشابه در آینده همچنان وجود خواهد داشت و سرمایه‌گذاری‌های دیجیتال ممکن است در زمان بحران ناکارآمد شوند.

نیلوفر نادری

خبرنگار

جنگ ۱۲ روزه میان ایران و اسرائیل، تأثیر قابل توجهی بر کسب‌وکارهای خدماتی کشور گذاشت و تپسی نیز از این آسیب‌ها در امان نماند. کاهش چشمگیر تعداد رانندگان فعال، افت نرخ پذیرش سفرها، اختلال گسترده در عملکرد GPS و قطعی اینترنت از جمله چالش‌هایی بودند که در این مدت، فعالیت روزمره این پلتفرم را با مشکل مواجه کرد. به گفته معاون ارتباطات سازمانی تپسی، در حالی که درخواست سفر از سوی کاربران همچنان وجود داشت، ناوگان فعال به‌شدت کاهش یافته بود و بخشی از رانندگان یا شهر را ترک کرده بودند یا به‌دلیل نگرانی‌های امنیتی حاضر به فعالیت نبودند. هم‌زمان، قطع دسترسی به ابزارهای فنی، بازاریابی و ارتباطی نیز مدیریت شرایط را دشوارتر کرده بود. در گفت‌وگویی که با نگار عرب، معاون ارتباطات سازمانی تپسی داشتیم به جزئیات این چالش‌ها و راهکارهایی که برای عبور از آنها داشته‌اند، پرداختیم.

▼ کاهش رانندگان و افت پذیرش سفرها

در جنگ ۱۲ روزه بین ایران و اسرائیل، تعداد سفرهای تپسی در شهرهای درگیر، به‌ویژه تهران، کاهش معناداری داشته است. نگار عرب، معاون ارتباطات سازمانی تپسی در این باره می‌گوید: «دلیل این کاهش چیزی جز کم‌شدن تعداد رانندگان نبود. درخواست‌های سفر کاربران همچنان وجود داشت، اما نرخ پذیرش این درخواست‌ها کاهش معناداری پیدا کرده بود. بخشی از رانندگان مانند سایر افراد، از شهر خود خارج شده بودند و بخشی دیگر هم به‌دلیل نگرانی‌های مربوط به ایمنی از خانه خارج نمی‌شدند. در نظر داشته باشید که اگر چه به‌دلیل شرایط خاص، تعداد درخواست سفر کاهش پیدا کرده بود، اما حتی برای همان تعداد سفر هم راننده فعال به تعداد کافی وجود نداشت.»

این تمام ماجرا نیست و تپسی علاوه بر چالش کاهش تعداد رانندگان در دوره جنگ ۱۲ روزه، با چالش‌های دیگری هم روبه‌رو بوده است؛ چالش‌هایی که شاید بخشی از آنها برای سایر کسب‌وکارها نیز آشنا باشد. او در این باره توضیح می‌دهد: «قطعی اینترنت و عدم دسترسی به اینترنت بین‌المللی، ما را در بخش‌های مختلف فنی، بازاریابی و ارتباطات دچار مشکل کرده بود. در بخش فنی، دسترسی ما به ابزارهای توسعه‌ای و سامانه‌های مانیتورینگ و هشداردهنده قطع شده بود. در بخش ارتباطات نیز امکان ارسال پوش‌نوتیفیکیشن به کاربران را نداشتیم و با چالش اطلاع‌رسانی به کاربران و تعامل با آنها روبه‌رو بودیم و در عمل، توان استفاده از شبکه‌های اجتماعی‌مان را هم نداشتیم. ابزارهای مورد استفاده برای ارتباطات داخلی نیز تحت تأثیر قرار گرفته بودند. در بخش بازاریابی هم شاهد قطع شدن گوگل ادز بودیم که تبلیغات و جذب کاربر را مختل کرده بود. همه این موارد به‌طور کلی باعث آشفتنگی و سردرگمی ما شده بود.»

▼ اقدامات حمایتی تپسی در جنگ

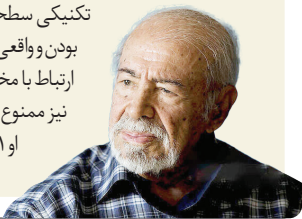
آنها که شغل‌شان به فعالیت‌های روزمره پیوند دارد و در اصطلاح روزمره هستند، یکی از اولین کسانی هستند که در شرایط بحرانی مانند پاندمی، تعطیلی فراگیر و جنگ متضرر می‌شوند و امرار معاش‌شان به خطر می‌افتد. کسب‌وکارهای مرتبط با چنین مشاغلی باید به‌راه‌های بیابندیشند که بتوانند این ضرر را به حداقل برسانند. طبق صحبت‌های عرب، تپسی به‌منظور تشویق و قهردانی از رانندگانی که در دوره جنگ فعال بوده‌اند، یکسری خدمات برای آنها در نظر گرفته است: «تعداد سفرها در این دوره کاهش پیدا کرده بود و به‌تبع آن درآمد رانندگان فعال هم پایین آمده بود. به همین منظور تصمیم گرفتیم برای آن رانندگانی که در این دوره فعال بوده‌اند، اعتبار خرید کالا در نظر بگیریم تا از این طریق بتوانیم به آنها کمکی کرده باشیم. بیش از هفت هزار راننده در این بازه زمانی از ما کمک هزینه خرید کالاهای اساسی گرفتند.»

آن‌طور که از صحبت‌های عرب برمی‌آید، تپسی به‌منظور رفاه کاربران‌ش نیز کارهایی کرده است. برای مثال ارسال دارو در تپسی دارو را رایگان کرده تا کاربران بدون نیاز به خروج از خانه داروی مورد نیازشان را تهیه کنند. همچنین مهلت پرداخت سروس اعتباری خرده‌امه‌ها را تا پایان تیرماه بدون دریافت جریمه دیرکرد، تمدید کرده‌اند.

چهره

خالق رمان‌های عامه‌پسند

امروز دومین سالمرگ رحب‌علی اعتمادی ملقب به ر. اعتمادی است؛ نویسنده، رمان‌نویس و روزنامه‌نگاری که شهرتش بیشتر به‌دلیل نوشتن رمان‌های عامه‌پسند بود. اعتمادی در شهر لار استان فارس به دنیا آمد و گفته می‌شود، از کودکی به کتاب‌خوانی علاقه داشت و با تشویق معلم‌اش، از ۱۵ سالگی مقالاتی می‌نوشت. بعد از اتمام تحصیلات و گذراندن دوران سربازی در سال ۱۳۳۵ در دوره آموزشی روزنامه اطلاعات پذیرفته شد و مجله «جوانان» را بنیان نهاد و خودش هم سردبیر آن بود؛ مجله‌ای که به مدت ۱۴ سال، یکی از پرفروش‌ترین مجلات ایران بود و حتی در کشورهای فارسی‌زبان نیز هوادارانی داشت. اعتمادی، یکی از برجسته‌ترین نویسندگان عامه‌پسند کشور بود که با زبان روان و داستان‌های پراحساس، با مضامین عاشقانه، عارفانه و اجتماعی جوانان زیادی را به کتاب‌خوانی جذب کرد. او پیش از انقلاب، ۱۸ رمان و در مجموع ۲۸ رمان منتشر کرد که بسیاری از آنها پرفروش بودند. گرچه منتقدان، آثارش را به‌دلیل فقدان پیچیدگی تکنیکی سطحی می‌دانستند، خودش پرفروش بودن و واقعی بودن شخصیت‌ها را امتیازی برای ارتباط با مخاطب می‌شمرد. اعتمادی دو دهه نیز ممنوع از کار بود و با اسم مستعار می‌نوشت. او ۲۱ تیرماه ۱۴۰۲ در تهران درگذشت.



کتابخانه

تاریخ تکامل مغز انسان

«اژدهای بهشتی» یکی از تازه‌ترین کتاب‌هایی است که از نشر نوبه بازار آمده است. این کتاب ماجراجویی کارل ساگان، اخترشناس و شخصیت علمی در قرن بیستم برای حل معمای هوش در انسان است. نویسنده در این کتاب رشته‌های انسان‌شناسی و زیست‌شناسی تکاملی و روان‌شناسی و علوم کامپیوتر را ترکیب می‌کند تا به فهمی دقیق‌تر از هوش انسانی دست یابد. این کتاب در سال ۱۹۷۸ منتشر شده و سال بعد هم جایزه پولیتزر را برده است. ساگان در مقدمه کتاب ادعا می‌کند که ذهن، چیزی جز پیامدهای آناتومی و فیزیولوژی مغز نیست. به عقیده او، انتخاب طبیعی همچون نوعی «غربال فکری» عمل کرده و به‌تدریج هوش انسان را به جایی رسانده که از عهده کشف قوانین طبیعت و شناخت خود برآید. کتاب «اژدهای بهشتی» را می‌توان تاریخچه تکامل مغز انسان دانست. عبدالحسین وهاب‌زاده این اثر را که شامل ۹ فصل و یک مقدمه است، به فارسی ترجمه و نشر نوبا همکاری نشر آسیم باقیمت ۳۴۰ هزار تومان، راهی پیشخوان کتاب‌فروشی‌ها کرده است.



نام کتاب:

اژدهای بهشتی

نویسنده:

کارل ساگان

انتشارات:

نشر نو

تاریخ

جنگ ۳۳ روزه



جنگ ۳۳ روزه معروف به جنگ تموز، در ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۶ میان اسرائیل و حزب الله لبنان آغاز شد. اسرائیل در سال ۲۰۰۴ بر خلاف توافق با حزب الله، سه اسیر لبنانی را آزاد نکرد.

حزب الله برای آزادی آن‌ها، در ژوئیه ۲۰۰۶، در عملیات «الوعد الصادق» دو نظامی اسرائیلی را اسیر گرفت. اسرائیل در مقابل این عملیات، به لبنان اعلام جنگ کرد و به‌صورت رسمی خلع سلاح حزب الله و آزادی دو اسیر خود را خواستار شد. این جنگ خسارتی برای دو طرف داشت با این حال میزان خسارات و تلفات مادی و انسانی دو طرف قابل مقایسه نبود. اسرائیل به جهت برتری تسلیحاتی، ضربات و خسارات مادی و تلفات انسانی قابل توجهی به کشور و مردم لبنان وارد کرد به‌نحوی که ۱۵ هزار خانه به‌صورت کامل نابود شد و هزاران مرکز حساس از جمله نیروگاه برق، بندر، پل‌ها و... از بین رفت. با این همه اسرائیل موفق به خلع سلاح حزب الله و آزادی اسیران خود نشد و در نهایت در صبح روز ۳۴ جنگ برابر با ۱۴ آگوست ۲۰۰۶ براساس قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت، میان دو طرف نبرد، آتش‌بس برقرار شد.